

Gensler, Harry

سرشناسه : گنسler، هری، ۱۹۲۵ - م.
عنوان و نام پدیدآور: اخلاق صوری / هری جی. گنسler؛ مترجم: مهدی اخوان.
مشخصات نشر : تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : سی و نه، ۳۰۳ ص: مصور.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱ ۲۷۷-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت : عنوان اصلی: Formal Ethics, 1996.
یادداشت : کتابنامه: ص: [۲۸۱]-۲۹۶.
یادداشت : نمایه
موضوع : اخلاق
موضوع : اخلاق اجتماعی
شناسه افزوده : اخوان، مهدی، ۱۳۵۶ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره : ۱۲۰۰ الف ۹ گ/ ۱۰۱۲ BJ
رده‌بندی دیویی : ۱۷۰
شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۶۱۵۲۷

اخلاق صوری

نویسنده: هری جی. گنسler

مترجم: مهدی اخوان

طراح: علی گنسler

چاپ نخست: ۱۳۹۱؛ شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

لینوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است



شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

○ اداره مرکزی: خیابان افریقا، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳

صندوق پستی: ۹۶۲۷-۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۷۰-۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲

آدرس اینترنتی: info@elmifarhang.ir www.elmifarhang.ir

○ مرکز پخش: شرکت بازرگانی کتاب گستر، خیابان افریقا، بین بلوار ناهید و گلشهر، کوچه گلنار، پلاک ۷۲

کدپستی: ۱۹۱۵۶۷۳۴۸۳؛ تلفن: ۴۳-۲۲۰۲۴۱۴۰؛ تلفکس: ۲۲۰۵۰۳۲۶

آدرس اینترنتی: info@ketabgostarco.com www.ketabgostarco.com

○ فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۴۰۰۷۸۶

فهرست مطالب

یادداشت مؤلف برای خوانندگان فارسی	یازده
مقدمه استاد مصطفی ملکیان	سیزده
سخن مترجم	بیست و پنج
پیش‌گفتار	سی و هفت

فصل اول: اخلاق صوری چیست؟

۱-۱. اصول منطقی صوری	۱
۲-۱. اصول اخلاقی صوری	۶
۳-۱. طرح راهنمای کتاب	۱۹

فصل دوم: منطقی بودن

۱-۲. باورهای متعارض	۲۱
۲-۲. لوازم باورها	۲۴
۳-۲. سازگاری مقید و مشروط	۲۶
۴-۲. [اصل] عطف‌کنندگی	۳۲
۵-۲. پرسش‌هایی درباره منطقی بودن	۳۵
۶-۲. چرا سازگاراندیش باشیم؟	۳۹
۷-۲. گوشمالی منطق	۴۸

فصل سوم: باوجدان بودن

- ۱-۳. پذیرش یک امر ۵۵
- ۲-۳. اصل موضوعی ناظر به عقلانیت ۶۱
- ۳-۳. اهداف و وسایل ۶۵
- ۴-۳. پرسش‌هایی در مورد [سازگاری] هدف - وسیله ۷۰
- ۵-۳. تابع وجدان‌تان باشید ۷۴
- ۶-۳. صلح‌طلبی مبتنی بر وجدان ۷۹
- ۷-۳. چرا باوجدان باشیم؟ ۸۰
- ۸-۳. نمونه‌های باوجدان بودن ۸۵

فصل چهارم: بی‌طرفی

- ۱-۴. تعمیم‌پذیری ۹۷
- ۲-۴. آیا تعمیم‌پذیری مفید است؟ ۱۰۱
- ۳-۴. چرا بی‌طرف باشیم؟ ۱۱۹
- ۴-۴. نمونه‌های بی‌طرفی ۱۲۴

فصل پنجم: قاعده طلایی

- ۱-۵. قضیه‌ای ناظر به GR ۱۳۱
- ۲-۵. صورتبندی‌های غلط GR ۱۳۴
- ۳-۵. گونه‌های GR ۱۴۲
- ۴-۵. پرسش‌هایی درباره GR ۱۴۷

فصل ششم: قانون جهان‌شمول

- ۱-۶. دغدغه خود و آینده ۱۷۱
- ۲-۶. قضایای UL ۱۷۳
- ۳-۶. نظیرهای GR و UL ۱۷۷
- ۴-۶. چرا از GR و UL پیروی کنیم؟ ۱۸۵
- ۵-۶. توصیه‌گرایی عام ۱۹۰

فصل هفتم: عقلانیت اخلاقی

۱-۷. شرایط عقلانیت	۲۱۱
۲-۷. عقلانیت از راه تکرار	۲۲۰
۳-۷. نژادپرستی و عقلانیت	۲۲۳
۴-۷. تعلیم عقلانیت اخلاقی	۲۳۴
۵-۷. مدرسانی به سایر دیدگاه‌ها	۲۳۷
۶-۷. پرسش‌های پایانی	۲۴۲

فصل هشتم: منطق نمادین

۱-۸. منطق جملات امری	۲۵۸
۲-۸. منطق تکلیف	۲۶۵
۳-۸. منطق باور	۲۶۸
۴-۸. نمادین کردن اخلاق صوری	۲۷۰

منابع	۲۸۱
-------	-----

نمایه	۲۹۷
-------	-----

یادداشت مؤلف برای خوانندگان فارسی

... اینجانب خوشوقت و مفتخرم که اثرم به فارسی ترجمه شده است. مايلم از مهدی اخوان به خاطر تمامی زحماتی که در این کار متحمل شده سپاسگزاری کنم. امیدوارم روزگاری برسد قاعده طلایی، که از دارایی‌های مشترک ملل و فرهنگ‌ها و ادیان است - و یکی از نخستین نموده‌های آن قریب ۲۵۰۰ سال پیش در ایران باستان ثبت شده است - بتواند به عنوان ارزشی واقعاً جهانی بیش از پیش قدر نهاده شود.

هری

سوم اکتبر ۲۰۰۸

مقدمه استاد مصطفی ملکیان

کتاب بدیع و تأمل بر انگیز اخلاق‌سناسی صوری^۱، نوشته هری ج. گنسler^۲، نیازمند تحلیل و نیز نقد درخور است. اما این نوشته به هیچ یک از این دو کار مهم نمی‌پردازد و به توصیف این کتاب، آن هم به صورتی بسیار کوتاه که یقیناً حق مطلب را ادا نمی‌کند، قناعت می‌ورزد.

به عقیده گنسler، اصول اخلاقی‌ای که در همه نظام‌ها و مکاتب اخلاقی گونه‌گون تاریخ فرهنگ بشری بیان شده‌اند را می‌توان در یک تقسیم‌بندی بسیار کلان، به دو دسته بزرگ تقسیم کرد:

۱. اصول اخلاقی صوری^۳

۲. اصول اخلاقی مادی^۴

اصول اخلاقی صوری اصولی‌اند که فقط با استفاده از متغیرها^۵ و ثابت‌ها^۶ قابل بیانند، و مراد از «ثابت‌ها» این سه گروه از الفاظ و مفاهیمند:

الف. الفاظ و مفاهیم منطقی، مانند «اگر - آن گاه»، «و»، «یا»، «اگر و فقط اگر»، «چنین نیست که»، «همه»، «هیچ»، «برخی»، «است»، «و» و «نیست»؛

ب. الفاظ و مفاهیم دال بر تلقی‌های روان‌شناختی عام، مانند «بازر دانستن»، «یا دانستن»، «دوست داشتن»، «یا خوش داشتن»، «اراده کردن»، «یا خواستن» و «عمل کردن»؛ و

1. Formal Ethics

2. Harry J. Gensler

3. formal ethical principles

4. material ethical principles

5. variables

6. constants

ج. الفاظ و مفاهیم دیگری که نسبتاً انتزاعی‌اند، مانند «باید» و «هدف - وسیله».

اصول اخلاقی مادی اصولی‌اند که فقط با استفاده از متغیرها و ثابت‌ها قابل بیان نیستند؛ در مقام بیان آن‌ها، یا از الفاظ و مفاهیم دیگری نیز استفاده می‌شود و یا فقط از الفاظ و مفاهیم دیگر استفاده می‌شود (یعنی اصول اخلاقی مادی خود به دو دسته فرعی‌تر تقسیم‌پذیرند، و حال آن‌که اصول اخلاقی صوری فقط یک دسته‌اند). به عنوان مثال، این اصول اخلاقی که «اگر A و B ناسازگارند، آن‌گاه نباید پذیرش A را با پذیرش B جمع کنی»، یک اصل اخلاقی صوری است، زیرا، از جمله، می‌گوید که «اگر A و B دو باور ناسازگارند و تو A را می‌پذیری، آن‌گاه B را مپذیر» و می‌بینیم که در آن فقط از الفاظ و مفاهیم منطقی، مانند «اگر - آن‌گاه»، «و»، «ناسازگار» و «ند»، و از الفاظ و مفاهیم دالّ بر تلقی‌های روان‌شناختی عام، مانند «باور»، «و»، «پذیرش»، و از الفاظ و مفاهیم دیگری که نسبتاً انتزاعی‌اند، مانند «باید»، سود جسته‌اند، و حال آن‌که این اصل اخلاقی که «دزدی مکن» یک اصل اخلاقی مادی است، زیرا در آن از لفظ و مفهوم غیرانتزاعی «دزدیدن» بهره برده‌اند که برخلاف مثلاً «عمل کردن»، بر یک تلقی عام روان‌شناختی دلالت ندارد.

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که تعریف اصل اخلاقی صوری تعریفی ایجابی است، و تعریف اصل اخلاقی مادی تعریفی سلبی: هر اصل اخلاقی‌ای که صوری نباشد مادی است.

¹ (pp. 5, 10) →

اصول اخلاقی مادی بسیار بسیار پرشمارند، ولی شمار اصول اخلاقی صوری بسی کمتر است، اما عددی نیست که همه فیلسوفان اخلاق بر آن توافق داشته باشند: «غرض آن است که اخلاق صوری یک نظام گشوده باشد» (p. 45, n. 1)؛ مثلاً چه بسا فیلسوفانی که بخواهند اموری مانند نظریه تصمیم، اعمال بیش از حد وظیفه (= تطوعی)، یا الفاظ و مفاهیم ارزشی دیگری را نیز بر فهرست اصول اخلاقی صوری بیفزایند (ibid.)؛ اما به نظر گنسler، می‌توان اصول اخلاقی صوری را در ۹ اصل منحصر ساخت:

نظام ما این ساختار اصل موضوعی را دارد:

۱. همه ارجاعات این نوشته به متن انگلیسی کتاب است با این مشخصات کتاب‌شناختی:

Gensler, Harry J., *Formal Ethics* (London and New York: Routledge, 1996)

- چهار اصل موضوع (PURE): توصیه‌گری (Prescriptivity)، تعمیم‌پذیری (Universalizability)، عقلانیت (Rationality)، و هدف - وسیله (Ends - means) برای استنتاج قضایا استفاده می‌شود.
- پنج گروه قضیه (LOGIC): منطقی بودن (Logicity)، همه‌نگر (Omniperspective)، قانون جهانروا (Universal Law)، قاعده زرین (Golden Rule)، بی‌طرفی (Impartiality)، و پیروی از وجدان (Conscientiousness) ... اخلاق صوری مبتنی است بر PURE LOGIC [منطق محض] (p. 45).

خواننده، لابد، متنبی یافته است که گنسلر از ترکیب حروف آغازین الفاظ انگلیسی دال بر چهار اصل موضوع، لفظ PURE (به معنای «محض») را ساخته است و از ترکیب حروف آغازین الفاظ انگلیسی دال بر پنج قضیه، لفظ LOGIC (به معنای «منطق») را، و از این رو، در پایان، کل اخلاق صوری را مبتنی بر PURE LOGIC (به معنای «منطق محض») قلمداد می‌کند.

اینک تقریری از هر یک از چهار اصل موضوع و پنج قضیه‌ای که به گمان گنسلر اصول نه‌گانه اخلاقی صوری را می‌سازند:

۱. اصل موضوع توصیه‌گری

«اگر باید A را انجام دهی، آن‌گاه آن را انجام ده و اگر جایز است که A را انجام دهی، آن‌گاه می‌شود آن را انجام دهی» (p. 52).

۲. اصل موضوع تعمیم‌پذیری

«اگر فعل A باید انجام گیرد (جایز است)، آن‌گاه مجموعه‌ای از خاصه‌های کلی، به نام F، وجود دارد: به طوری که (۱) فعل A همان F است؛ و (۲) در هر وضع محقق یا مقدر، هر فعلی که F باشد باید انجام گیرد (جایز است)» (p. 69). یا به تقریری مسامحه‌آمیزتر اما شهودی‌تر: «اگر فعل A باید انجام گیرد (جایز است)، آن‌گاه، در هر وضع محقق یا مقدر، هر فعلی که از لحاظ خاصه کلی‌اش، دقیقاً یا از جنبه‌های ذی‌دخل، شبیه فعل A است نیز باید انجام گیرد (جایز است)» (p. 70).

۳. اصل موضوع عقلانیت

«اگر $A_1, \dots, A_n$ بزرگ‌تر یا مساوی با (۱)، یا به تنهایی یا با انضمام به سایر اصل موضوع‌های اخلاق صوری، مجموعه‌ای ناسازگار می‌سازند، آن‌گاه نباید پذیرش $A_1, \dots, A_n$ را جمع کنی. و اگر $A_1, \dots, A_n$ بزرگ‌تر یا مساوی با (۱)، یا به تنهایی یا با انضمام به سایر اصل موضوع‌های اخلاق صوری، مستلزم B اند، آن‌گاه نباید پذیرش $A_1, \dots, A_n$ ، پذیرش A_n ، و عدم پذیرش B را جمع کنی» (p. 44).

۴. اصل موضوع هدف - وسیله

«هدف E را انجام بده. مستلزم این است که 'اگر این‌که وسیله M را انجام دهی برای انجام دادن هدف E ضرورت علی دارد، آن‌گاه وسیله M را انجام بده» (p. 46).
ناگفته پیداست که در این اصل موضوع، «هدف و وسیله باید عمل باشند» (ibid.).

۵. قضیه منطقی بودن

الف. «اگر A و B ناسازگارند، آن‌گاه نباید پذیرش A را با پذیرش B جمع کنی» (p. 16).

ب. «اگر A مستلزم B است، آن‌گاه نباید (۱) پذیرش A را با (۲) عدم پذیرش B جمع کنی» (p. 18).

ج. «اگر $A_1, \dots, A_n$ بزرگ‌تر یا مساوی با (۱) مجموعه‌ای ناسازگار می‌سازند، آن‌گاه نباید پذیرش $A_1, \dots, A_n$ و پذیرش A_n را جمع کنی» (p. 20).

د. «اگر $A_1, \dots, A_n$ بزرگ‌تر یا مساوی با (۱) مستلزم B است، آن‌گاه نباید پذیرش $A_1, \dots, A_n$ ، پذیرش A_n ، و عدم پذیرش B را جمع کنی» (ibid.). و

ه. «نبايد پذیرش A ، پذیرش B و عدم پذیرش B و A را جمع کنی مگر این‌که این امر رخ دهد که احتمال A بیش از ۵۰ درصد، احتمال B بیش از ۵۰ درصد و احتمال B و A ۵۰ درصد یا کمتر باشد» (p. 24).

ضابطه‌ای که می‌گوید «اگر احتمال A بیش از ۵۰ درصد باشد، آن‌گاه باید A را باور کنی، و در غیر این صورت نباید A را باور کنی» (ibid)، لازمه‌اش این است که قید و شرطی را که برای قضیه ه قایل شدیم برای قضایای ج و د نیز قایل شویم (یعنی «مگر این‌که ... را»).

۶. قضیه همه‌نگر با قانون جهانروا^۱

الف. «به انجام دادن A اقدام مکن مگر این‌که به این رأی رضا داده باشی که X در وضعی مشابه وضع تو، A را انجام دهد» (p. 119).

ب. «بعداً به انجام دادن A نسبت به خودت اقدام مکن مگر این‌که به این رأی رضا داده باشی که اکنون در وضعی مشابه، A را نسبت به خودت انجام داده‌ای» (p. 122).

ج. «بعداً به انجام دادن A نسبت به X اقدام مکن مگر این‌که به این رأی رضا داده باشی که اکنون در وضعی مشابه، A نسبت به خودت انجام شود» (ibid.).

د. «به انجام دادن X اقدام مکن مگر این‌که به این رأی رضا داده باشی که هر فعل دقیقاً مشابهی نیز بتواند انجام داده شود (فارغ از مکان افراد مختلف یا زمان عمل) = فقط چنان عمل کن که بخواهی که هر کسی در اوضاع و احوالی دقیقاً مشابه، فارغ از انواع متصور زمان یا شخص، عمل کند (این انواع شامل مواردی می‌شوند که در آن‌ها تو از عمل تأثیر می‌پذیری، کسی که دغدغه‌اش با داری به جای تو است، و تو در زمانی در آینده آثار و نتایج عمل را تجربه می‌کنی)» (p. 123).

۷. قضیه قاعده زرین

الف. «(۱) اقدام به انجام دادن A نسبت به X را با (۲) رضا ندادن به این رأی که در وضعی دقیقاً مشابه A نسبت به تو انجام گیرد جمع مکن = با دیگران فقط به شیوه‌ای رفتار کن که بخواهی در همان وضع با تو به همان شیوه رفتار کن» (p. 91).

ب. «اقدام به انجام دادن A نسبت به X مکن مگر این‌که به این رأی رضا داده باشی که در وضعی متصور که از جنبه‌های ذی‌دخل مشابه باشد A نسبت به تو انجام گیرد» (p. 102).

ج. «اقدام به انجام دادن A نسبت به X مکن مگر این‌که به این رأی رضا داده باشی که در هر وضع محقق که از جنبه‌های ذی‌دخل مشابه باشد A نسبت به تو انجام گیرد» (ibid.).

د. «اقدام به انجام دادن A نسبت به X مکن مگر این‌که به این رأی رضا داده باشی که در وضعی دقیقاً معکوس X نسبت به تو A را انجام دهد» (ibid.).

۱. در مقابل شهروا؛ اصطلاحی که در قدیم برای دو نوع سکه به کار می‌رفت: سکه‌هایی که در همه سرزمین‌ها و میان تمام ملل پذیرفته می‌شده، اما سکه‌های شهروا تنها در شهر و منطقه خاصی مبادله و کاربرد داشته است.

ه. «اقدام به انجام دادن A نسبت به X ممکن مگر این که به این رأی رضا داده باشی که Y در وضعی دقیقاً مشابه A را نسبت به تو انجام دهد» (ibid.).

و. «اقدام به انجام دادن A نسبت به X ممکن مگر این که به این رأی رضا داده باشی که در وضعی دقیقاً مشابه A نسبت به Z انجام گیرد» (ibid.).

ز. «نسبت به X و Y به شیوه‌ای خاص عمل ممکن بدون این که به این رأی رضا داده باشی که وقتی خوره را به جای X تصور می‌کنی همین عمل انجام گیرد و نیز به این رأی رضا داده باشی که وقتی که خود را به جای Y تصور می‌کنی همین عمل انجام گیرد» (p. 103).

ح. «نسبت به $X_1, \dots, X_n$ به شیوه‌ای خاص عمل ممکن مگر این که به این رأی رضا داده باشی که وقتی خود را به جای X_1 تصور می‌کنی همین عمل انجام گیرد ... و به این رأی رضا داده باشی که وقتی خود را به جای X_n تصور می‌کنی همین عمل انجام گیرد = به شیوه‌ای خاص عمل ممکن مگر این که به این رأی رضا داده باشی که در این نوع وضع، و فارغ از این که در این وضع جای خود تو کجاست، همین عمل انجام گیرد» (ibid.).

ط. «اقدام به انجام دادن A نسبت به X ممکن مگر این که باور داشته باشی که جایز است که در وضعی دقیقاً مشابه A نسبت به تو انجام گیرد» (ibid.).

ی. «میل نداشته باش که A نسبت به X انجام گیرد مگر این که به این رأی رضا داده باشی که در وضعی دقیقاً مشابه A نسبت به تو انجام گیرد» (ibid.).

یا. «مپذیر که جایز است که تو A را نسبت به X انجام دهی مگر این که به این رأی رضا داده باشی که در وضعی دقیقاً مشابه A نسبت به تو انجام گیرد» (ibid.).

یب. «مپذیر که باید A را نسبت به X انجام دهی مگر این که میل داشته باشی که اگر در وضعی دقیقاً مشابه می‌بودی آن‌گاه A نسبت به تو انجام می‌گرفت» (ibid.).

یج. «اقدام به عمل A نسبت به X را با این درخواست که در وضعی دقیقاً مشابه A نسبت به تو انجام نگیرد جمع مکن» (ibid.).

ید. «این درخواست را که اگر در جای دقیق X می‌بودی A نسبت به تو انجام گیرد با عدم اقدام به انجام دادن A نسبت به X جمع مکن» (p. 104).

۸. قضیه بی‌طرفی

«(۱) باور به این که جایز است که تو A را نسبت به X انجام دهی را با (۲) بی‌باوری به

این که در وضعی دقیقاً معکوس جایز است که X نسبت به A را انجام دهد. جمع مکن» (p. 74).

۹. قضیه پیروی از وجدان

الف. «(۱) باور به این که اکنون باید A را انجام دهی را با (۲) عدم اقدام به انجام دادن A ، جمع مکن = باور نداشته باش که چیزی وظیفه تو است مگر این که اقدام به انجام دادن آن کنی» (p. 53).

ب. «(۱) باور به این که نادرست است که اکنون A را انجام دهی را با (۲) اقدام به انجام دادن آن، جمع مکن» (p. 54).

ج. «(۱) باور به این که فعل A جایز است را با (۲) رضا ندادن به این رأی که A ، انجام گیرد، جمع مکن» (ibid.).

د. «(۱) باور به این که هر کسی باید A را انجام دهد را با (۲) عدم اقدام خودت به انجام دادن A ، جمع مکن» (ibid.).

ه. «(۱) باور به این که هر کسی باید A را انجام دهد را با (۲) نخواستن این که هر کسی A را انجام دهد، جمع مکن» (ibid.).

و. «(۱) اقدام به انجام دادن A را با (۲) بی باوری به این که جایز است که اکنون A را انجام دهی، جمع مکن» (p. 55).

ز. «(۱) باور به این که در هیچ وضع قابل تصویری نباید A را انجام داد را با (۲) عزم نداشتن بر این که اگر وضع S پیش آید از انجام دادن A خودداری کنی، جمع مکن» (ibid.).

اگر بناست که توصیه گری، تعمیم پذیری، عقلانیت، و هدف وسیله چهار اصل موضوع^۱ باشند و منطقی بودن، قانون جهانروا، قاعده زرین، بی طرفی و پیروی از وجدان پنج قضیه^۲، باید بتوان نشان داد که هر یک از این پنج قضیه از کدام یک از این چهار اصل موضوع استنتاج می شوند.

گنسلر در باب نحوه این استنتاج ها، با صراحت و دقت سخن نمی گوید، اما از فحوای سخنانش می توان دریافت که به نظر او قضیه منطقی بودن از اصل موضوع عقلانیت قابل استنتاج است (p. 149): «قضیه قانون جهانروا تعمیم قاعده زرین است»

1. axiom

2. theorem

(p. 121)، و بنابراین مشمول حکم حاکم بر قاعده زرین و بر این اساس، قابل استنتاج از اصل موضوع تعمیم‌پذیری است، چنان‌که قضیه قاعده زرین نیز از همین اصل موضوع قابل استنتاج است؛ قضیه بی‌طرفی نیز از اصل موضوع عقلانیت قابل استنتاج است (p. 149 →) و سرانجام، قضیه پیروی از وجدان از اصل موضوع توصیه‌گری استنتاج می‌تواند شد (p. 52ff →).

اگر این استنباط از فحوای سخنان گنسلر صحیح باشد، خواننده تیزبین می‌تواند پیرسد که از اصل موضوع هدف - وسیله در استنتاج چه قضیه‌ای استفاده شده است و آیا، اساساً، این اصل موضوع زاید نیست.

از میان این نه اصل اخلاقی صوری، قاعده زرین، که «الزام می‌کند که با دیگران چنان رفتار کنیم که بخواهیم که با ما رفتار کنند» (p. 93)، «مهم‌ترین اصل اخلاق صوری، و احياناً مهم‌ترین قاعده زندگی است» (ibid.).

این قاعده «در ۱۵۰۰ سال اخیر، در میان فرهنگ‌ها و ادیان مختلف جهان شاخصیت داشته است. قاعده زرین حکمت اعصار و قرون است و نه مُدِ روز ...؛ بسیاری از این [حکیمان، متفکران، بنیانگذاران ادیان و مذاهب و فیلسوفان] در تفکر اخلاقی برای قاعده زرین شأنی کانونی قایلند و آن را به نحوی لب‌الاب کل اخلاق می‌دانند» (pp. 104-105).

به نظر گنسلر، افزون بر نه اصل اخلاقی صوری (چهار اصل موضوع و پنج قضیه)، که ذکرشان رفت، اصول اخلاقی نیمه‌صوری‌ای نیز وجود دارند که اگر به اصول نه‌گانه صوری افزوده شوند عقلانیت اخلاقی را به تمام و کمال می‌رسانند.

به عقیده او این اصول اخلاقی نیمه‌صوری چهار اصلند که او از آن‌ها به «شرایط عقلانیت (اخلاقی)» نیز تعبیر می‌کند: «باورهای اخلاقی ما کمابیش و تا حدی معقولند که شرایط چندگانه عقلانیت را برآورده سازیم. من این شرایط را به چهار گروه تقسیم می‌کنم:

۱. سازگاری^۱

۲. داده‌های ناظر به واقع^۲

۳. تخیل^۳

1. semi-formal

2. consistency

3. factual data

4. imagination

۴. اوصاف شخصی^۱ (p. 149).

۱. سازگاری. ما نیازمندیم که سازگاراندیش باشیم، به معنایی گسترده که شامل سازگاری در باورها، سازگاری هدف - وسیله، پیروی از وجدان، بی طرفی، قاعده زرین، و ضابطه قانون جهانروا^۲ بشود...

۲. داده های ناظر به واقع. ما نیازمندیم که امور واقع غیراخلاقی را بشناسیم: اوضاع و احوال، شقوق دیگر، آثار و نتایج، ادله موافق و مخالف؛ این ها را عمدتاً از طریق تجربه شخصی و آرای صاحب نظران می آموزیم. به همان میزان که دارای اطلاعات نادرست یا بی خبر باشیم، تفکرمان عیب و نقص دارد.

نیازمندیم که درباره خودمان چیزهایی بدانیم؛ به ویژه درباره این که احکام اخلاقی و احساسات خود را از کجا آوردیم...

و نیز نیازمندیم که از نگرش های اخلاقی ممکن در باب مسئله مورد نظر، از جمله لوازم آن ها و ادله ای که به سود یا بزیان آن ها وجود دارند باخبر باشیم، مهم است که هر دو جنبه یک موضوع پیچیده را در نظر داشته باشیم...

۳. تخیل. ما به آگاهی ای واضح و دقیق از وضع انسان دیگر (یا از وضع خودمان در برهه ای دیگر از زمان) و از این که در آن وضع بودن چه حالی دارد نیازمندیم. این با صرف اطلاع بر واقعیات فرق دارد. مثلاً ما نه فقط نیازمندیم که از واقعیات راجع به نیازمندان باخبر باشیم، بلکه نیازمندیم که این را نیز درک کنیم که این واقعیات برای زندگی آنان چه معنا و مفهومی دارد. سینما، ادبیات، و تجارت شخصی می توانند در تصور جایگاه انسان دیگر به ما کمک کنند. و نیز نیازمندیم که آثار و نتایج آینده را درک کنیم. علم به این که مواد مخدر آثار زیانباری خواهند داشت فرق دارد با این که بتوانیم آن آثار را به نحوی واضح و دقیق تصور کنیم. یک تحقیق درباره اعتیاد به مواد مخدر می تواند واقعیات را در اختیار ما بگذارد، اما یک داستان یا نمایشنامه درباره معتادان به مواد مخدر چه بسا این واقعیات را برای ما زنده و جاندار سازد...

1. personal qualities

۲. من نه مراد دقیق گستر را از اصل «سازگاری» می فهمم، نه نیمه صوری بودن آن را می پذیرم، و نه از ربط و نسبت آن با اصول نه گانه صوری، علی الخصوص با دو اصل موضوع عقلانیت و تعمیم پذیری و سه قضیه منطقی بودن، قانون جهانروا و بی طرفی، سر درمی آورم.

۴. اوصاف شخصی. این عنوان شامل دسته‌بندی‌ای گونه‌گون می‌شود: نخستین زیرگروه ناظر به هرگونه فعالیتی است که متضمن تفکر باشد:

- هوشیار، خلاق، فارغ‌بال، دقیق، دارای حضور قلب و تیزبین باش.
- مگذار خشم، مستی یا عیوب و نقایص روان‌شناختی نگرش‌هایت را تعیین کنند.

• برای پروراندن افکار و آرای خود آزاد باش؛ مبندار که باید با آنچه دیگران می‌گویند همساز باشی.

- بدان که بسیاری از باورهای ارتكازی‌ات چه بسا ناشی از تربیت اجتماعی باشد و در برابر نقد عقلی تاب مقاومت نداشته باشند؛ پذیرای بازنگری احتمالی در نگرش‌های خودت باش.

- پرهیز از باورها، میل‌ها و طرز تلقی‌هایی که فقط بدین جهت داری که خودت (یا کسانی که در تو نفوذ داشته‌اند) در گذشته، عقلانیت را زیر پا گذاشته‌ای (یا گذاشته‌اند).

زیرگروه بعدی به نحوی خاص بر راجع به تفکر اخلاقی است:

- در جست‌وجوی یافتن این نکته باش که چگونه باید زندگی کنی.
- در پی اصول اخلاقی‌ای باش که عقاید اخلاقی‌ات را تبیین کنند و از بیشترین کوششی که در جهت یافتن اشکالاتی بر آن‌ها می‌کنی جان سالم به در برند.
- تجربه‌ای گسترده از زندگی داشته باش؛ با انواع مختلف انسان‌ها و اوضاع و احوال‌شان تماس شخصی پیدا کن.
- دغدغه خودت و دیگران را داشته باش.

زیرگروه آخر درباره محدودیت‌های عقلانیت اخلاقی ما است:

- در ساحت‌هایی که عقلاً اختلاف نظر دارند جزم‌اندیش مباش.
- در ساحت‌هایی که وقت یا قدرت عقلانی بودن بسیار را نداری برای نگرش‌های کسانی که عقلانی‌تر از تو، به‌خصوص اگر اجماعی در کار باشد، واقعی قایل شو.
- چه در جامعه خودت و چه در جوامع دیگر، با دیگران گفت‌وگو کن. عملاً، ما به تنهایی نمی‌توانیم به باورهای اخلاقی عقلانی برسیم. به دیگران نیاز

داریم تا تناقض‌اندیشی‌های ما را خاطرنشان کنند و ما را از عواملی بپاگاهند که در غیر این صورت نسبت به آن‌ها کور می‌ماندیم.

- واقف باش که این شرایط عقلانیت به حد کمال مطلوب برکشیده شده‌اند و هیچ کس نمی‌تواند آن‌ها را به تمام و کمال برآورده سازد (pp. 149-152).

درباره آن‌ها اصل اخلاقی صوری و این چهار اصل اخلاقی نیمه‌صوری، لااقل، دو پرسش مهم دیگر پرسیدنی‌اند. یکی این‌که: این چهارده اصل از کجا کسب اعتبار می‌کنند؟ و دیگر این‌که: کارکردشان دقیقاً چیست؟

در پاسخ به پرسش اول، گنسلر مدعی است که «از طریق تقریباً هر نگرش مبنایی‌ای می‌توان از این اصول دفاع کرد» (p. viii). هر نگرش مبنایی‌ای قابلیت دارد که این اصول اخلاقی صوری و نیمه‌صوری را توجیه معرفتی کند و بنابراین، شرط توفیق در توجیه این اصول التزام به هیچ مکتب و مسلک و مشرب خاص فلسفی و اخلاقی نیست. مهم این است که همه این اصول را قبول دارند، هر چند در توجیه معرفتی آن‌ها و حتی در تعیین معنا و مفهوم دقیق آن‌ها با یکدیگر وفاق نداشته باشند. فیلسوفان چه بسا اصل اخلاقی صوری واحدی را بپذیرند و با این همه، در باب معنا و توجیه آن اختلاف نظر داشته باشند» (p. 9). بنا به این ادعا، فیلسوفان اخلاق همگی می‌توانند این اصول چهارده‌گانه را قبول داشته باشند - و حتی قبول دارند - و حال آن‌که گروهی از آنان که در زمینه اخلاق هنجاری (یا دستوری) مطالعه و تحقیق می‌کنند ممکن است به حکم نظرگاه‌های مختلفی که در این زمینه دارند، برای این اصول معانی متفاوتی پیشنهاد و تعیین کنند و گروهی از آنان که در قلمرو فرااخلاق (یا اخلاق نقدی یا تحلیلی) مطالعه و تحقیق می‌کنند ممکن است که باز به حکم نظرگاه‌های مختلفی که در این قلمرو دارند، این اصول را به صورت‌های متفاوتی توجیه کنند.

و اما در پاسخ به پرسش دوم، گنسلر قایل است که «اصول صوری در اخلاق نقش خاصی دارند، و آن این است که به جای این‌که جانشین نظریات اخلاقی سنتی شوند، آن‌ها را تکمیل کنند» (p. vii). این اصول عبارتند از «چند ابزار صوری برای استدلال اخلاقی که می‌توانند تقریباً هر رویکردی را به اخلاق تکمیل و اصلاح کنند» (p. 9). این اصول «نه نظریات سنتی هنجاری یا فرااخلاقی را پیش‌فرض می‌گیرند و نه جانشین آن‌ها می‌شوند، بلکه این نظریات را تکمیل می‌کنند» (p. 11). وجه تسمیه دوم این اصول

اخلاقی به اصول صوری می‌تواند همین بی‌تفاوتی و لااقتضایی آن‌ها نسبت به نظریات هنجاری یا فرااخلاقی باشد.

سخن پایانی این‌که گنسلر، در این خصوص که شاخه‌ای از اخلاق‌شناسی که به بررسی اصول اخلاقی صوری می‌پردازد کدام شاخه است، قدری متزلزل است. در یک جا، در مقام جواب‌گویی به این سؤال که «آیا اخلاق صوری هنجاری است یا فرااخلاقی؟»، می‌گوید: «هر یک از دو رویکرد قابل اتخاذ است» و توضیح می‌دهد که پاره‌ای از تفاسیر اصول اخلاقی صوری را احکامی هنجاری می‌دانند؛ اما پاره‌ای دیگر آن‌ها را تحلیلگر سازگاری اخلاقی تلقی می‌کنند و این تلقی سبب می‌شود که این اصول، اصولی تحلیلی و فرااخلاقی باشند (p. 9). اما در جایی دیگر، می‌گوید: «اصول اخلاقی صوری، هر نفسی که از آن‌ها داشته باشیم، از لحاظ روش‌شناختی، با اصول اخلاقی مادی‌ای که اخلاق هنجاری بر آن‌ها تمرکز دارد فرق دارند. پس بهتر است که اخلاق صوری را ساحت سوم از فلسفه اخلاق بگیریم. در این کتاب، من میان اخلاق هنجاری (درباره اصول اخلاق مادی)، اخلاق صوری (درباره اصول اخلاقی صوری) و فرااخلاق (درباره معنا و توجیه همه اصول اخلاقی) ^۱ (pp. 9-10) فرق می‌گذارم».

نگارنده این سطور، در باب تحلیل و نقد این کتاب مهم و جذاب، سخنانی دارد که بازگویی آن‌ها را به مجالی که امیدوار است هر چه زودتر دست دهد وامی‌نهد، و از این فرصت برای سپاس‌گویی از دوست عزیز و دانشور خود، دکتر مهدی اخوان، که این کتاب را به صورتی نیکو به خوانندگان فارسی‌زبان عرضه کرده است، بهره می‌جوید و توفیق دم‌افزون او را در خدمت به علم و اخلاق از حضرت حق به دعا می‌خواهد.

مصطفی ملکیان

۱. در سرتاسر این نوشته، در هر جا که از گنسلر نقل قول مستقیم شده است تأکیدها از آن خود اوست، و در غیر این صورت، از آن نویسنده این سطور.

سخن مترجم

۱

سالها پیش در کتابخانه دانشگاه وقتی کتاب‌های بخش فلسفه را از نظر می‌گذراندم عنوان کتابی توجه‌ام را به خود جلب کرد. در نگاه نخست، آن عنوان تلفیقی از رشته تحصیلی‌ام، منطق فلسفی، و مباحثه‌های شخصی‌ام، اخلاق، بود. محتوای کتاب نیز با این تلقی اولیه مطابقت داشت. بعد از آن ایام، که فراغتی حاصل شد، ابتدا کتابی درسی در زمینه فلسفه اخلاق از همان مؤلف را ترجمه کردم و سپس به ترجمه کتاب حاضر پرداختم.

۲

اخلاق صوری با زبانی دقیق و فنی و در عین حال واضح و روشن به صورت‌بندی منطقی و تنسيق و تحليل اصول بنيادين اخلاق و در كانون اين اصول به قاعده طلایی می‌پردازد. مهم‌ترین فیلسوفانی که گنسلر (به گفته خود) از آن‌ها ایده اخلاق صوری را الهام گرفته است، کانت و هیر هستند. وی بدون آن‌که دیدگاه اخلاقی خاص این دو فیلسوف را بپذیرد، ربط و نسبت دیدگاه خود را با نظریه آن‌ها بیان می‌کند (→ فصل هفتم، پرسش یازدهم). غیر از این دو، اندیشمندان دیگری نیز تأملات صوری در باب اخلاق داشته‌اند و از آن میان وی رویکرد خود را به براد^۱ و لوئیس^۲ نزدیک می‌داند (→ فصل هفتم، پرسش پنجم).

مفهوم می‌که گنسلر در سرتاسر اخلاق صوری بر آن تأکید می‌کند، عقلانیت به‌طور

1. C. D. Broad

2. C. I. Lewis

عام، و عقلانیت عملی و اخلاقی به طور خاص است. او بنیادی ترین مؤلفه و اصلی ترین مظهر آن را مفهوم سازگاری به معنای عام آن می داند که علاوه بر باورها، شامل افعال نیز می شود (س- نقد گوتیه بر پرسش هفتم، فصل هفتم). در این رویکرد، آن کس که به سازگاری اهمیت می دهد و می خواهد که سازگار باشد لاجرم باید اخلاقی باشد. در یک کلام، گنسلر در پی انتقال این ایده است که عقلانی بودن، مستلزم اخلاقی زیستن است.

از میان اصول اخلاقی، قاعده طلایی مهم ترین اصل اخلاق صوری و چه بسا مهم ترین قاعده زندگی است (س- مطلع فصل پنجم). گنسلر منشأ علاقه فلسفی اش به تحلیل منطقی - فلسفی این قاعده را سخنرانی هتر در سال ۱۹۶۸ و تأمل در کتاب آزادی و عقل^۱، پس از براد آن سخنرانی، می داند. نویسنده برای تحلیل قاعده طلایی از ساختاری اصل موضوعی^۲ و مسکی اقلیدس وار بهره می برد؛ ساختاری که به زعم او می تواند شیوه ای مناسب و سهل برای تنسيق و دفاع از مجموعه ای از باورها باشد. بدین معنا که با پذیرش پاره ای اصول موضوعه (با قیود و شرایط خاصی) به استنتاج و اثبات پاره ای قضایا پردازیم و طبعاً بدون پذیرش آن اصول موضوعه دارای قیود و شرایط خاص، اثبات این قضایا بی معنا می شود و باید یک ناقضیه^۳ مواجه خواهیم بود. البته نویسنده در دفاع از قاعده طلایی صرفاً به این شیوه بسنده نمی کند، بلکه در بخش ۴-۶ به طرق دیگری هم به دفاع از آن می پردازد. پژوهش در باب قاعده طلایی هنوز در دستور کار گنسلر قرار دارد، از این رو نویسنده از طریق ایمیل به بسیاری از مخاطبان خود (از جمله مترجم) پروژه تحقیقی خود را در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، کار روی همین قاعده اعلام کرد و از آن ها خواست تا هر نکته و اشکال ریز و درشتی که در ذهن دارند را برای تعمیق بحث مطرح کنند.

چارچوب اصل موضوعی کتاب شامل ۹ اصل اخلاقی صوری است (بخش ۲-۳):

- چهار اصل موضوع: توصیه گری، تعمیم پذیری، عقلانیت [سازگاری] هدف - وسیله (از این اصول استفاده می شود تا قضایا استنتاج شوند).
- پنج دسته قضیه: منطقی بودن، منظر فراگیر یا قانون جهان شمول، قاعده طلایی، بی طرفی و باوجدان بودن.

1. Freedom and Reason

2. Axiomatic Structure

3. nontheorem

این اصول موضوعه و قضایا در سرتاسر متن انگلیسی کتاب با حروف بزرگ اولین حرف آن کلمه مشخص شده‌اند، و صورت‌بندی‌های گوناگون هر یک با اعداد مختلف نشان داده می‌شود (مثلاً L1 قضیه‌ای ناظر به منطقی بودن (Logicality) است). ناقضایا هم مانند قضایا مشخص شده‌اند با این تفاوت که به حرف الفبای کوچکی ختم می‌شوند (L1a ناقضیه‌ای در باب منطقی بودن است). چنین رویه‌ای در ترجمه نیز به همان صورت منتقل شده است تا در متن فارسی بیشتر به چشم آید.

انگاره مورد دفاع گنسلر (اخلاق صوری) بر آن است تا صرف نظر از نظام‌های اخلاقی، قواعدی را به دست دهد تا برای پذیرش صحت نظامی اخلاقی لازم باشند، و در بنیان آن‌ها قاعده یا اصل سازگاری است. اخلاق صوری، ترازویی برای تضمین شرایط لازم صحت نظام‌های اخلاقی است به نظر گنسلر مزیت رویکردی که او به اخلاق صوری دارد آن است که هیچ دیدگاه فـاـخـلاقی و اخلاقی خاصی را مفروض نمی‌گیرد اما در عین حال می‌تواند توسط همه دیدگاه‌های اخلاقی مواجه شود (و خود او چنین کاری را انجام می‌دهد و سعی می‌کند این اصول را بر مبنای دیدگاه‌های اخلاقی گوناگون توجیه کند) (بخش ۶-۴). او همچنین در بخش دیگری از کتاب در مسیری عکس، کمک این اصول به دیدگاه‌های اخلاقی را نشان می‌دهد (بخش ۷-۵).

در جای‌جای کتاب سعی نویسنده بر ردیابی اصول بنیادین اخلاقی مورد نظرش در متون دینی (خصوصاً بافت مسیحی) مشهود است. به این جهت، هر جا مناسبتی میان اصلی اخلاقی و فقره‌ای از متون دینی می‌یابد به آن اشاره می‌کند (کاری که در مورد اصل بی‌طرفی و قاعده طلایی به تفصیل و با گستردگی بیشتر صورت گرفته است). این امر هم غلقه دینی مؤلف را نشان می‌دهد (البته نه دیدگاهی کاملاً و لزوماً محسوس و منطبق با متون و دیدگاه‌های دینی) و هم کتاب را برای مخاطب دین‌دار شیرین‌تر می‌سازد. در ترجمه آیات عهد جدید از ترجمه جناب آقای پیروز سیار، که دارای اصالت، وثاقت و روانی بیشتر بود، استفاده کرده‌ام و و برای ترجمه سایر بخش‌های کتاب مقدس از ترجمه مشهور به قدیم (۱۹۰۴) بهره گرفته‌ام.

اشکالات و ابهامات احتمالی مربوط به هر بحث که ممکن است ذهن خواننده عام یا خاص را درگیر کند، در قالب پرسش و پاسخ‌هایی در هر فصل مطرح می‌شود. در انتهای هر یک از فصل‌های ۳، ۴ و ۶ به نمونه‌ها و مصادیق گوناگونی از اصول مطرح‌شده در کتاب اشاره شده تا هم اصول انتزاعی اخلاق در کاربردهای واقعی بررسی

شود و هم با اطلاق اصول اخلاقی بر موارد خاص دقت‌ها و ظرافت‌های موجود در صورت‌بندی‌ها پیش چشم آید.

۳

بنای سخن مترجم در این مقام برجسته کردن پاره‌ای نکات و سپس نگاهی اجمالی به کتاب به همان ترتیب و توالی فصل‌هاست. استاد ملک‌یان این بنده را مورد لطف خود قرار داده و گزارشی تحلیلی، منسجم و پیوسته، و نه بر اساس ترتیب فصول، از جان کلام گنسلر در این کتاب نگاشتند. پیشتر نیز شبی از آخرین شب‌های پاییزی سال ۱۳۸۶ که میزبان آن عزیز بودیم و چه مبارک‌سحری بود و چه فرخنده‌شب‌ی، ایشان نکاتی در توصیف این کتاب مطرح فرمودند و حال رخصت دادند که در مقدمه خود به آن‌ها اشاره کنم:

۱. نویسنده در این کتاب فرایند صوری‌سازی را، که در مورد سایر علوم انجام یافته، در مورد اخلاق اعمال کرده است. پروژه‌ای که در آن، ادعا بر این است که اصولی وجود دارد که صرف نظر از این که در اخلاق هنجاری چه دیدگاهی داشته باشیم، باید به آن‌ها معتقد باشیم و نظام‌های اخلاقی نیز به میزانی که این اصول را پاس می‌دارند بر یکدیگر و بر رقیبی که آن‌ها را رعایت نکرده رجحان می‌یابند. بر این اساس، گنسلر اخلاق را از نوعی آنارشی اخلاقی نجات می‌دهد (که بر طبق آن در اخلاق هر که هر چه می‌خواهد می‌تواند بگوید) و همچنین بی‌در و پنجره بودن رها می‌سازد (که بر اساس آن گرچه آنارشی وجود ندارد، ولی نمی‌توان در رد دیدگاه اخلاقی دیگری سخن گفت، گویا توجیه^۱ تنها در فرااخلاق^۲ ممکن است نه در اخلاق هنجاری).

۲. در این کتاب برای نخستین بار به نظر می‌رسد که اخلاق می‌تواند به علوم دقیقه^۳ نزدیک شود (چیزی که در علوم انسانی تنها در علم اقتصاد به خوبی رعایت می‌شود)، زیرا در این علوم بر هر ادعایی، دلیلی صوری می‌آورند.

۳. نکته بسیار چشمگیر در این کتاب، سعی گنسلر در نفی و تضعیف تلویحی

1. justification

2. metaethics

3. sciences exact

دیدگاه‌های پُست‌مدرنی است که امروزه در جامعه ما نیز بسیار رایج است. برطبق این دیدگاه‌ها، استدلال یا هیچ بُرایی ندارد یا زود به بن‌بست می‌رسد، و گویی طرفین می‌گویند که «لَکُم دینُکُم و لیّ دین»، اما گنسلر سعی دارد نشان دهد که استدلال می‌تواند تا ژرف‌ناترین ژرف‌ناها پیش رود.

۴. این کتاب نمونه‌ای عالی از این امر به دست می‌دهد که مؤلف برای خلق آن سعی داشته برای هر مبحثی کل مکتوبات^۱ ناظر به آن موضوع را تحقیق و بررسی کند و با تفتُّن و التفات به آرا و نظریات مخالف پیش رود (خواه علیه دیدگاه مخالف استدلالی آورده باشد خواه تنها آن را ذکر کرده باشد) و این امر باعث اعتماد خواننده به آرای مؤلف کتاب می‌شود.

۴

اینک نگاهی کلی به مباحث مطرح‌شده در هر فصل می‌اندازیم.

فصل نخست تماماً به تشریح و توضیح اصطلاح اخلاق صوری اختصاص یافته است. این امر با تناظر و مقایسه اخلاق صوری با منطق صوری از یک طرف، و ربط و نسبت این قلمرو با دو قلمروی دیگر فلسفه اخلاق، یعنی اخلاق هنجاری^۲ و فرااخلاق، از طرف دیگر، و قیاس با منطق تکلیف^۳ از دیگر سو به انجام می‌رسد. همان‌طور که منطق صوری پس از صورت‌بندی دقیق و روشن اصول منطقی به بحث از اعتبار استدلال‌ها می‌پردازد، اخلاق صوری هم (در کنار اخلاق مادی یا هنجاری) اصلی‌ترین اصول اخلاقی را به دقت صورت‌بندی و تنسیق کرده و آن‌ها را در قالب یک نظام اصل موضوعی ریخته و قضایای گوناگون را از آن‌ها استنتاج می‌کند.

مؤلف در انتهای فصل اول راهنمایی‌هایی را برای مطالعه کتاب مطرح می‌کند که همچون نقشه‌ای دقیق (متفاوت با فهرست ابتدای کتاب) طیف متنوع خوانندگان را به بخش‌های مورد نظرشان هدایت می‌کند.

از نظر نویسنده مبنایی‌ترین اصل اخلاقی صوری، که از مؤلفه‌های بنیادین عقلانیت

1. literature

2. normative ethics

3. deontic logic

(و نه یگانه مؤلفه آن) است، اصل سازگاری است. سازگاری به مفهوم عام و فراگیر آن در این سیاق به باورها، اراده، و ارزش‌گذاری‌ها ناظر است. این اصل چنان اهمیتی دارد که به نحوی در تمامی اصول اخلاق صوری حضور دارد و به نظر نویسنده، قاعده طلایی به عنوان اصل‌الاصول اخلاق صوری گونه‌ای اصل سازگاری و یا تعبیری اخلاقی از این اصل است (سایر فنون و علوم بشری می‌توانند قاعده طلایی خاص خود را داشته باشند). در فصل دوم سازگاری در زمینه باورها (منطقی بودن) و مباحث مربوط به آن مطرح می‌شود. سازگاری در زمینه اراده (سازگاری هدف - وسیله و باوجدان بودن) به فصل سوم و سازگاری مربوط به ارزشگذاری (بی‌طرفی) به فصل چهارم موكول شده است. مجموعه این اصول منظومه‌ای را فراهم می‌آورند تا قلب اخلاق صوری، یعنی قاعده طلایی، در فصل پنجم از آن‌ها نتیجه شود.

فصل سوم با تحلیلی منطقی و مفهومی در باب معنای پذیرش یک جمله امری آغاز می‌شود. نویسنده معتقد است وقتی جمله‌ای امری را به معنای عام آن، که شامل تمامی شکل‌های طلب و صیغه‌های گوناگون امر می‌شود، می‌پذیریم، به این معناست که قصد پیروی از آن و عزم بر انجام آن را داریم. در چنین زمینه‌ای است که سازگاری ناظر به هدف - وسیله و گونه دیگر سازگاری مربوط به اراده، یعنی باوجدان بودن (یا وظیفه‌شناسی)، مطرح می‌شود.

سازگاری هدف - وسیله (E)، این شرط است که هماهنگی میان اهداف و وسایل را مراعات کنیم. اگر الف. من هدفی داشته باشم، معتقد باشم که تحقق این هدف نیازمند به‌کارگیری وسیله خاصی است؛ و ج. من این وسیله را محقق نسازم، در آن صورت سازگاری هدف - وسیله را نقض کرده‌ام. قانون کانتی «باید مستلزم توانستن است»، نخستین قضیه فرعی و نتیجه منطقی E (Corollary) است که گنسلر آن را E2 می‌خواند. E3 و E4 قضایای اخلاقی ناظر به هدف - وسیله‌اند. و پس از آن به قضایایی نظیر قانون کانتی از E5 تا E10 اشاره می‌کند.

باوجدان بودن یعنی اعمال، عزم‌ها و میل‌ها را با باورهای اخلاقی‌مان هماهنگ کنیم. اگر باورهای اخلاقی ما با نحوه زندگی‌مان و آن نحوه زندگی‌ای که از دیگران توقع داریم همخوانی نداشته باشد، این شرط را نقض کرده‌ایم. وظایف ناظر به باوجدان بودن (از C1 تا C7) با کاربرد اصل موضوع توصیه‌گری حداقلی (P) وضع می‌شود. به آنچه می‌گویید خود عمل کنید «عالم بی‌عمل یا واعظ غیرمعتظ نباشید». C4 در این مجموعه قضایا قرار دارد.

فصل چهارم با عنوان **بی‌طرفی** با تذکر این نکته آغاز می‌شود که بی‌طرفی بر اصل تعمیم‌پذیری (U) مبتنی است؛ از این رو، ابتدا به تفصیل از این اصل و سودمندی آن بحث می‌شود. از نظر گنسلر مقبول‌ترین اصل اخلاقی صوری تعمیم‌پذیری است و در این فصل صورت‌بندی دقیقی از آن به دست می‌دهد. اصل موضوع تعمیم‌پذیری بیانگر آن است که اگر فعل A باید (یا اشکالی ندارد) انجام گیرد، آن گاه، در هر مورد واقعی یا فرضی هر فعلی هم که در ویژگی‌های کلی‌اش مشابهت دقیق یا مرتبط با فعل مورد بحث را دارد، باید (یا اشکالی ندارد) انجام گیرد. گنسلر برخلاف نظر سيجویک^۱، که بی‌طرفی را بیان دیگری از قاعده طلایی می‌داند، معتقد است که گرچه قاعده طلایی از اصول بی‌طرفی و باوجدان بودن استنتاج می‌شود اما تمایز بارزی میان این دو وجود دارد (بخش ۲-۴، پرسش چهارم)؛ اصل بی‌طرفی به ما توصیه می‌کند که درباره موارد مشابه ارزش‌گذاری‌های مشابه داشته باشیم و روح‌های خاصی از باورها را در ذهن با یکدیگر جمع و ترکیب نکنیم، اما قاعده طلایی توصیه می‌کند که یک عمل (در قبال دیگری) و یک خواسته و میل (راجع به نحوه رفتاری که می‌خواهیم با ما بشود) را با هم ترکیب نکنیم. فصل پنجم و ششم کتاب مطالبی پیوسته به هم دارد که به خاطر تفصیل آن‌ها در قالب دو فصل مجزا آورده شده است. از این رو مطالب انتهایی فصل ششم ناظر به موضوع هر دو فصل است.

در **فصل پنجم** لب‌آب دیدگاه گنسلر در اخلاق به تصویر درمی‌آید. از آن جا که تقریر عرفی و ظاهری قاعده طلایی (با دیگران چنان کن که خوش داری که با تو آن کنند) به لوازم نامعقول یا مهمل می‌انجامد، گنسلر ابتدا می‌کوشد تا با آوردن قیود و شروطی برای قاعده طلایی، تقریری دقیق و بدون این قبیل توالی‌فکری به دست دهد و آن گاه گونه‌ها و صور مختلف قاعده طلایی (از G1 تا G14) را بیان می‌کند. او توضیح می‌دهد که یکایک این گونه‌ها می‌توانند در قالب‌های بایددار (G0)، فضیلت‌محور (GV)، توصیفی (Gd)، امری (Gi) و امری مشروط (Gh) درآمده و از ترکیب گونه‌های چهارده گانه و قالب‌های پنج گانه، صورت‌بندی‌های بسیاری به دست می‌آید که اگر دارای ویژگی‌های سه گانه (ترکیب نکن به جای اگر - آن گاه، موقعیت مشابه و طرز تلقی کنونی در قبال موقعیتی فرضی) باشند، قضیه، و در غیر این صورت ناقضیه‌اند و به لوازم

نابخردانه و مهملی می‌انجامند. این فصل با بیست پرسش و پاسخ در باب جنبه‌های گوناگون قاعده طلایی پایان می‌یابد.

فصل ششم با عنوان قانون جهان‌شمول یا همه‌نگر از اصلی بحث می‌کند که به نظر نویسنده تعمیم قاعده طلایی است. قاعده طلایی تنها در مورد رفتار فرد در قبال دیگری به کار می‌رود، اما وقتی رفتارمان بر بیش از یک نفر تأثیر می‌گذارد یا در قبال خود یا آینده ماست می‌توان از قانون جهان‌شمول بهره برد. قانون جهان‌شمول (UL) توصیه می‌کند که فقط طوری عمل کنید که می‌خواهید هر کسی در شرایطی مشابه صرف نظر از تفاوت‌های متصور که در مورد زمان یا شخص وجود دارد آن‌گونه عمل کند. بدین شکل، ضابطه قانون جهان‌شمول علاوه بر ضوابط موجود در قاعده طلایی دو الزام و ضابطه مربوط به سازگاری را هم دربردارد: دغدغه خود O1 (اصل عزت نفس) و دغدغه آینده O2 (اصل آینده‌گرایی). رچه نامگذاری «ضابطه قانون جهان‌شمول» به این نام، شباهت با قانون مشهور کانت است (1785: p. 405): «تنها بر اساس قاعده‌ای عمل کنید که در همان حال بتوانید بخواهید که آن قاعده قانونی جهان‌شمول شود».

از مباحث جالبی که نویسنده در این فصل به آن می‌پردازد بررسی قواعد متناظر و مشابه با قاعده طلایی و قانون جهان‌شمول است. در این زمینه هنجارهایی از سنت مسیحی و همچنین برخی تعبیر فیلسوفان (از جمله ضابطه غایت‌نگرانه کانت و حجاب جهل و بی‌خبری رالز) را مطرح کرده و به مقایسه آن‌ها با دو قاعده GR و UL مورد نظر خود می‌پردازد. از آن‌جا که گنسلر همواره بر دین خود به‌عنوان زمینۀ رویکرد صوری به اخلاق معترف است، در این فصل (بخش توصیه‌گرایی عام) به گزارش اجمالی دیدگاه هئر و تفاوت روایت خود با او می‌پردازد و به برخی اشکالات رویکرد هئر اشاره می‌کند.

فصل هفتم کتاب، دیدگاه نویسنده را در باب عقلانیت اخلاقی به نحوی جامع مطرح می‌کند. به عقیده وی عقلانیت علاوه بر مؤلفه مهم سازگاری (که وجه صوری آن را شکل می‌دهد) دارای اضلاع و وجوه نیمه‌صوری نیز است؛ مانند آگاهی از واقعیات و به کارگیری قوه تخیل (و نه توهم و خیال‌بافی)^۱ و پاره‌ای از خصلت‌های فردی. عقلانیت اخلاقی در آرمانی‌ترین صورت، از تمامی این مؤلفه‌ها تا حد ممکن برخوردار است. در این فصل، همراه با شرح و بسط هر یک از این عناصر، کارایی چنین منظری از

۱. fantasy. شرح تفاوت و تمایز این دو مفهوم را استاد ملکیان در مقدمه‌ای که بر کتاب دنیایی را تصور کن... (نشر آسمان خیال، ۱۳۸۸) نگاشتند، آورده‌اند.

عقلانیت اخلاقی. در مورد خاص نژادپرستی، به آزمون گذاشته می‌شود. ابتدا استدلال یک فرد فرضی نژادپرست به نام سیما مطرح می‌شود و سپس با دو تدبیر حمله بر اصل و استفاده از قاعده طلایی (که خود مراحل چهارگانه‌ای دارد) عقلانیت اخلاقی به نحوی ملموس به کار بسته می‌شود. دقت در جزئیات این آزمون می‌تواند خواننده را در فهم مطالب انتزاعی و دیریاب کتاب یاری دهد. خواننده فارسی‌زبان می‌تواند هنگام طرح دعاوی نژادپرست و مناقشه در آن‌ها، تمایز متناظر خودی/غیرخودی (ناخودی) را در ذهن داشته باشد.

اهتمام مؤلف به تعلیم و تربیت اخلاقی به خوبی در آثار او در زمینه فلسفه اخلاق پیداست. به نظر او دیدگاه اخلاقی آن‌گاه به توفیق بیشتر دست می‌یابد که بتواند در رفتار و عمل کودکان وارد شود تا آن‌ها در گزینش‌ها و باورهای اخلاقی خودشان معقول‌تر باشند. قصد نویسنده از بحث تعلیم و تربیت اخلاقی، آموزش قواعد و هنجارهای خاص اخلاقی نیست؛ بلکه می‌خواهد کلیدی به دست دهد تا از آن طریق کودکان بتوانند به مراعات قواعد اخلاقی خاص سوق داده شوند. چنین آموزشی البته به صرف یاددهی نظری محدود نمی‌شود بلکه رفتار و الگوهای عملی والدین نیز این عقلانیت را انتقال می‌دهد.

واپسین فصل کتاب پس از مرور موجز سه قلمرو مرتبط منطق، یعنی منطقِ اوامر، منطقِ تکلیف و منطقِ باور، با به کار گرفتن منطق نمادین در اخلاق صوری آن را در قالبی نمادین صورت‌بندی کرده و در دستگاهی کاملاً نمادین از آن دفاع می‌کند؛ این رویه در آثار منطقی گنسلر پس از مباحث محض منطق وجود دارد. آشنایی مقدماتی و پایه‌ای با منطق، شرط ضروری فهم مطالب این فصل است.

۵

هری گنسلر دکتری خود را از دانشگاه میثیگان با راهنمایی ویلیام فرانکنا دریافت کرد. علایق اصلی فلسفی او و نیز آثار او به سه عرصه منطق و فلسفه اخلاق، و قلمروی تلفیقی این دو تعلق دارد. کتاب حاضر را می‌توان محل تلاقی دو قلمرو منطق و اخلاق دانست. از او تاکنون ده کتاب منتشر شده که برخی به چاپ‌ها یا ویرایش‌های مکرر رسیده و بعضی از آن‌ها به زبان‌های فرانسوی، چینی، تایلندی و اینک فارسی ترجمه شده‌اند. کتاب‌شناسی آثار او به این شرح است:

Godel's Theorem Simplified (Washington: University Press of America, 1984), 83 pages.

Logic: Analyzing and Appraising Arguments (Englewood Cliffs: Prentice Hall, 1989), 438 pages.

Formal Ethics (London and New York: Routledge, 1996), 213 pages.

Ethics: A Contemporary Introduction (London and New York: Routledge, 1998), 211 pages.

Introduction to Logic (London and New York: Routledge, 2002), 399 pages.

Ethics: Contemporary Readings (New York and London: Routledge, 2004), 314 pages, co-edited with Earl W. Spurgin and James C. Swindal.

The Sheed & Ward Anthology of Catholic Philosophy (Lanham, Md.: Rowman & Littlefield, 2005), 585 pages, co-edited with James C. Swindal.

Historical Dictionary of Logic (Lanham, Md.: Scarecrow Press [Rowman & Littlefield], 2006), 307 pages.

Historical Dictionary of Ethics (Lanham, Md.: Scarecrow Press [Rowman & Littlefield], 2008), 363 pages, co-authored with Earl W. Spurgin.

Ethics: A Contemporary Introduction, second edition (New York and London: Routledge, 2011), 190 pages.

ویرایش دوم کتاب درآمدی بر فلسفه اخلاق معاصر در سال ۲۰۱۱ با اضافه کردن دو فصل اخلاق فضیلت‌گرا و قانون طبیعی، نگاشتن مقدمه‌ای جدید و بارنویسی کل کتاب به طبع رسید (که مترجم حاضر هم بی‌درنگ مطالب افزوده شده را به فارسی برگرداند). ویراست دوم کتاب او در باب منطق در سال ۲۰۱۰ با افزودن فصلی درباره تاریخ منطق، منطق غیرمعارف و فلسفه منطق منتشر شد.^۱

ذهن نظام‌مند و قفسه‌وار گنسلر به گونه‌ای است که حتی آن گاه که درباره سفرهای خود سخن می‌گوید مطالب مورد نظر خود را دسته‌بندی می‌کند (چرا)، چگونه و چه

۱. فصل یازدهم ویراست قبلی این کتاب توسط مترجم حاضر در مجله نقد و نظر، با عنوان «یک نظریه صوری شده اخلاقی»، شماره ۴۵-۴۶ نشر یافت.

مدت و... سفر کردم). سبک نوشتاری وی در ساده‌سازی مطالب بسیار پیچیده فلسفی و منطقی مثال‌زدنی است (مانند نخستین کتاب او درباره قضیه ناتمامیت گودل).

صفحه شخصی گنسلر در اینترنت (<http://www.jcu.edu/philosophy/genster>).

منبعی تکمیلی برای خواننده فراهم می‌کند و مطالب گوناگون ذیل را دربردارد:

- بیان برنامه‌ها و دوره‌های درسی پیشین و جاری‌اش همراه با تاریخ دقیق آن‌ها و معرفی منابع درسی و شرح شرایط علمی (مطالعه منابع معرفی شده، ارائه مقاله تا تاریخی مشخص و...) و غیر علمی (شیوه امتیاز پایان دوره) شرکت در این دوره‌ها.

- توجه خاص به قاعده طلایی و معرفی کتاب‌ها و سایت‌هایی برای جست‌وجو.

- تمرین‌های کتاب‌های مختلف نویسنده و تمرین‌ها و آزمون‌هایی در زمینه درس‌هایی (همچون فلسفه ذهن، فلسفه تحلیلی) که در دانشگاه ارائه می‌دهد (با ارجاع دقیق دانشجویان به متن مورد نظر آن فیلسوف).

- شرح دقیق برخی مناظره‌ها (همراه با فایل صوتی تفکیک‌شده آن) مانند بحثی جذاب که با پیتر سینگر (استاد فلسفه اخلاق زیستی دانشگاه پرینستون) در مورد حرمت و قداست حیات داشته است.

- شرح سفرها و تصویر و فیلم آن‌ها به همراه لینک‌های گوناگون و جالب.

۶

در ترجمه اثر حاضر به دلیل حساسیت‌های منطقی و فنی و تمایزهای ظریف میان قضایا و اصول آن، اصالت و اولویت با دقت (و پس از آن روانی) بوده است.

سپاسگذاری از تمام کسانی که ترجمه این اثر و امداد آن‌هاست بر ذمه مترجم است. پیش از همه استاد فرزانه‌ام، مصطفی ملکیان، که تمامی تعبیر فنی و اصطلاحات خاص کتاب را با باریک‌بینی خود معادل‌گذاری نمودند و افزودن بر آن وقت بی‌مشتان را به گفت‌وگو درباره رفع پاره‌ای دشواری‌ها اختصاص دادند و در نهایت، اکرام را اتمام کرده و درخواست حقیر را در نگارش مقدمه‌ای بر کتاب اجابت کردند. درس عملی اخلاق و اخلاقی زیستن والاترین موهبتی است که درک محضرشان نصیبم گرداند. سلامت ایشان را از حضرت حق امید دارم؛ همچنین دوست دانشورم جناب آقای محمدحسین صالحی که موشکافانه بخش‌هایی از کتاب را خوانده و نکاتی را تذکر دادند؛ جناب آقای علیرضا آل بویه که در نشر این ترجمه همکاری مشفقانه کردند؛ آقای سیدمحسن اسلامی که

آخرین نسخه پیش از چاپ را مطالعه و نکاتی را یادآور شدند؛ آقای مهدی اسماعیلی، حروفچینی نهایی متن را، که دقتی شایسته و مضاعف می‌طلبید، به انجام رساندند؛ و هم‌سرم که اخلاق حسنه‌اش راه را هموار ساخت. دیدگاه‌ها و نقدهای روشنگر خوانندگان عزیز منتی است بر مترجم. امید آن که ترجمه این اثر پرتویی بر عرصه فلسفه‌ورزی در باب اخلاق بتابد و دقایق و ظرایف نظری را توجه دهد.

اول و آخر، سپاس و ستایش به درگاه حق که این بنده را در این کار توفیق داد.

بی‌عنایات حق و خاصان حق گر ملک باشد سیاه استش ورق

مهدی اخوان

۱۳۹۱

پیش‌گفتار

اخلاق صوری به بحث از اصول اخلاقی صوری می‌پردازد، و با اصول مربوط به مراسم و تشریفات سروکار ندارد. به بیانی اجمالی‌تر، موضوع پژوهش آن همانا الگوهای عقلانی موجود در اندیشه اخلاقی ماست. اخلاق صوری با الگوبرداری از منطق صوری شکل گرفته و از آرا و نظریات اخلاقی ریچارد هری^۱ و ایمانوئل کانت^۲ الهام پذیرفته است.

مهم‌ترین اصل اخلاقی صوری، و شاید مهم‌ترین قاعده زندگی، قاعده طلایی است: «با دیگران چنان رفتار کن که می‌خواهی با تو آن‌گونه رفتار شود». قاعده طلایی در میان فرهنگ‌ها و ادیان مختلف جهان از حامیان بسیاری برخوردار است، اما فیلسوفان معمولاً به آن بی‌توجهند. در این کتاب، این قاعده چنان‌که شاید و باید مورد توجه قرار خواهد گرفت.

قاعده طلایی عضو خانواده‌ای از اصول صوری با هم مرتبط است. تعداد دیگری از اعضای این خانواده بدین قرارند:

- در باورهایتان سازگاری منطقی را رعایت کنید.
- اگر می‌خواهید به هدفی برسید، باید وسیله لازم را تدارک ببینید.
- پیرو وجدانتان باشید.
- به آنچه موعظه می‌کنید عمل کنید.
- درباره موارد مشابه ارزش‌گذاری‌های مشابهی داشته باشید.
- طوری عمل نکنید که بعداً پشیمان شوید.

1. Richard Hare

2. Immanuel Kant

▪ فقط برطبق آن دستوری عمل کنید که بتوانید بخواهید قانونی عام باشد.

این اصول مهم و سودمندند اما خواهیم دید در صورتی که به ظاهر هر یک از این اصول توجه شود سر از امور نامعقولی درخواهند آورد. اخلاق صوری سعی خواهد کرد بیان روشن تر و کامل تری از این اصول به دست دهد، آن‌ها را در قالب نظامی قابل دفاع سامان دهد و نشان دهد که اصول مذکور چگونه می‌توانند به ما کمک کنند تا درباره اخلاق معقول تر بیندیشیم.

اصول صوری نقش ویژه‌ای در اخلاق دارند، و آن این است که به جای این که جانشین نظریات اخلاقی سستی شوند، آن‌ها را تکمیل و اصلاح می‌کنند. من (در این کتاب) نسبت به مسائل بنیادین بی طرف می‌مانم. ادعای من این نیست که اصول صوری، حقایقی بدیهی یا حقایق تجربی یا قراردادهای اجتماعی‌اند، یا این که این اصول فقط بیانگر احساسات، جملات امری، یا نوعی التزام به یک شیوه زندگی هستند، بلکه سعی من این است که نشان دهم چگونه این اصول عملاً از منظر هر دیدگاه بنیادین قابل دفاعند. به همین جهت است که به دفاع از آن‌ها را به نظریات و مباحث مرسوم در فلسفه اخلاق پیوند می‌دهم.

از آن جا که الگوی من در اخلاق صوری، منطق صوری است، کراراً به منطق متوسل می‌شوم. اما بخش‌های تخصصی و فنی را مجزا می‌کنم تا خواننده عام بتواند مطالب اصلی را بفهمد.^۱ تناظری که بین منطق و اخلاق برقرار کرده‌ام پرسش‌هایی را ایجاد می‌کند. منطق، سخت و انعطاف‌ناپذیر (دقیق و بدون مناقشه) به نظر می‌رسد، درحالی که اخلاق، نرم و قابل انعطاف (مبهم و مورد مناقشه) جلوه می‌کند اما قصد من این است که نشان دهم بخش صوری اخلاق به سختی و انعطاف‌ناپذیری منطق است و اصول اخلاقی صوری سزاوار آن مقبولیت عامی هستند که اصول منطقی صوری از آن برخوردارند.

بر این اساس، هدف تشریح و دفاع از پاره‌ای از ابزارهای صوری استدلال اخلاقی (به ویژه قاعده طلایی) است که تقریباً می‌توانند هر رویکردی به اخلاق را تکمیل و تقویت کنند. لازم است به ترتیب از ریچارد هشر،^۲ تام کارسن^۳ و جف واتلرز^۴، که دست‌نوشته

۱. برای کسانی که می‌خواهند فقط بخش‌هایی از کتاب را مطالعه کنند در انتهای فصل ۱ پیشنهادهایی مطرح شده است.

2. Tom Carson

3. Jeff Wattles

کتاب را مطالعه کردند و پیشنهادهای سودمندی ارائه دادند، تشکر کنم. جیف همچنین دست‌نوشته بصیرت‌افزایش را درباره قاعده طلایی در اختیار من گذاشت (wattles 1996): نگرش تاریخی - دینی وی رویکرد عقلی - منطقی مرا تکمیل و به عمق یافتن تفکر من کمک کرد. و کشتی باری کوئیک نوردیک اکسپرس^۱ (که در بخشی از سفر چهار هزار کیلومتری خودم با دوچرخه، چهار روز در آن اقامت داشتم) خلوتی را ایجاد کرد که مفهوم اخلاق صوری را به من الهام کرد.^۲

هری گینسلر

دانشگاه اسکرتن

اسکرتن، PA 18510 USA

1. Quebec Nordik Express

۲. اخلاق صوری (Formal Ethics) بر روی شبکه جهانی اینترنت سایت دارد، و شامل نرم افزارها و تمرین‌های قابل دانلود است که می‌توان آن‌ها را همراه با کتاب مورد استفاده قرار داد، برای کسب اطلاعات بیشتر http://www.routledge.com/rcenters/philres/fe_main.html